

آزمیان پرونده ها

قتل زن باردار

سرهنگ بازنشسته شمس آبادی

قتل در پشت یک وانت یکی از عجیب ترین گزارش های جنایی بود که نزدیکی های عید سال ۶۴ به دست پلیس رسید.

آن زمان افسر نگهبان کلانتری ونک بودم، گزارش دیده شدن جسد، تلفنی بود. سریع با پلیس موتور سوار تماس گرفتم و او خودش را به خیابان الهیه رساند، منتظر خبری از طرف مامور موتور سوار بودم تا این که بیسیم زده شد، مامور با متوقف کردن وانت پیکان توانسته بود پیرزنی را دستگیر کند اما راننده که مرد جوانی بود با جدی گذاشتن پیرزن و وانت پا به فرار گذاشته بود.

صدای مامور مان می لرزید، جسد یک زن پشت وانت بود. به سرعت به خیابان الهیه رفتم و متوجه شدیم پسر جوان با پیاده شدن از وانت به خانه ای اعیانی که در ورودی اش نرده ای بود، پناه برده است.

جسد داخل یک پتو پیچانده شده و آثار خون دیده می شد. پتو را باز کردیم، سر و صورت زن جوان خون آلود بود.

پیرزنی که داخل وانت دستگیر شده بود، حرف نمی زد. پسر جوان که داخل حیاط خانه اعیانی بود و جاوید نام داشت دستگیر شد.

فهمیدیم خودش سرایدار همان خانه اعیانی بوده و کسی هم در داخل خانه حضور نداشت.

به سمت اتاق نگهبانی رفتم، صحنه ای که می دیدیم باور کردنی نبود و همه در و دیوار خون آلود بود و به معنای کامل یک حمام خون راه افتاده بود اما جاوید مادر پیرش هیچ حرفی نمی زد و این قضیه را پیچیده کرده بود.

داخل کلانتری، جاوید بعد از سکوت طولانی به حرف آمد و با صدای لرزان گفت: حشش بود!

پرسیدم خوبی؟!

گفت: زنم داخل حیاط با یک نفر حرف می زد، هر چه می پرسیدم کی بود حرفی نزد من هم عصبانی شد و من کشش زدم.

خیلی متعجب نگاه کرد و از من پرسید زنم زنده است؟!!

از رفتارهای جاوید مشخص بود حالت روحی خوبی ندارد و نمی توانستیم به حرف هایش اعتماد کنیم. به سراغ مادرش رفتم و ادعا کردیم جاوید به قتل زنش اعتراف کرده است. مادر پیر سکوتش را شکست و فهمیدیم جاوید در گذشته اعتیاد به حشیش داشته و سابقه بیماری روحی و روانی دارد. مادر پیر گفت که می خواستم پسرم سر به راه شود به همین دلیل از یک روستا دختر فقیری را برای او گرفتم. پسر بعد از ازدواج مدتی بود که دیگر مواد مصرف نمی کرد اما از چندی قبل دوباره شروع به مصرف مواد کرد و با توجه به اختلاف سنی او با همسرش اختلافات شان بالا گرفت و جاوید در توهم فکر می کرد زنش به او خیانت می کند.

پس از شنیدن حرف های مادر پیر دوباره به محل جنایت رفتم و از اهالی محل شنیدیم که مرد جوان و همسرش که سرایدار خانه اعیانی بودند، در مدت سه ماه که آن جازندگی می کردند بارها بهم درگیر شده بودند. بعد از تکمیل شدن تحقیقات بار دیگر به سراغ جاوید رفتم و شروع به بازجویی کردیم. جاوید گفت: زنم خیانت می کرد و آن شب با یک نفر در حیاط صحبت می کرد، هر چه پرسیدم با کی حرف می زنی جواب نمی داد به خاطر همین او را به شدت تنگ زدم و تا جوق داشت او را زدم بعد می خواستم به بیمارستان ببرمش که دستگیر شدم. جالب بود جاوید وقتی فهمید زنش را کشته است، واکنشی نشان نداد و مشخص شد او در همه این اتفاقات در توهم خیالی بود. تلخ ترین زمان این پرونده وقتی بود که پزشکی قانونی اعلام کرد که زن جوان باردار بوده و فرزندش نیز مرده است.

سرقت های میلیونی دختر لیسانسه از آرایشگاه های تهران



دختر لیسانسه در آرایشگاه های زنانه دست به سرقت های میلیونی می زد.

چندی قبل زنی جوان به یک آرایشگاه زنانه رفت و بعد از انجام کار هایش وقتی خواست آن جارا ترک کند متوجه نبود کیف زنانه اش شد و مسئول آرایشگاه و زنان دیگر در آرایشگاه شروع به جست و جو کردند اما اثری از کیف نبود.

بدین ترتیب ماجرای سرقت کیف زن جوان از آرایشگاه زنانه به ماموران کلانتری ۱۲۶ تهرانارس مخابره شد و تیمی از ماموران تجسس برای تحقیقات پلیسی وارد عمل شدند.

ماموران در گام نخست تحقیقات، پی بردند سارق که یک زن است با توجه به شلوغی داخل آرایشگاه زنانه و در یک فرصت مناسب از غفلت مشتری آرایشگاه استفاده کرده و دست به سرقت کیف زنانه زده است.

تجسس های پلیسی ادامه داشت که ماموران متوجه شدند از حساب بانکی زن جوان در آرایشگاه پول زیادی برداشته شده است که با توجه به حساسیت موضوع تجسس های فنی کلید زده شد.

بررسی ها حکایت از آن داشت که زن جوان با در اختیار داشتن رمز کارت بانکی طعمه اش به یک طلافروشی رفته و اقدام به خرید چند سکه طلا کرده است.

نخستین سرخ

همین کافی بود تا ماموران به مغازه طلافروشی بروند و دوربین های مدار بسته را مورد بازرینی قرار دهند و مشاهده کردند دختر جوانی با حضور در مغازه طلافروشی اقدام به خرید چند سکه طلا کرده است.

تجسس های پلیسی ادامه داشت تا این که ماموران از سرقت های مشابه دیگری در آرایشگاه های زنانه اطلاع یافتند و مشخص شد دختر جوان ابتدا در نزدیکی صندوق آرایشگاه ها وقتی مشتریان شمار درم ز کار نشان

را اعلام می کنند اقدام به ثبت رمز کارت ها می کند و سپس در فرصتی مناسب با توجه به شلوغی آرایشگاه ها دست به سرقت کیف طعمه هایش می زند.

ردیابی ها ادامه داشت و ماموران اطلاع پیدا کردند دختر جوان با دسترسی به کارت های بانکی طعمه هایش با حضور در مغازه های طلافروشی و صرافی ها اقدام به خرید دلار و طلا می کند.

بازداشت در تازه کاری

ماموران با توجه به تصویر به دست آمده از دختر جوان به سراغ آلبوم مجرمان سابقه دار رفتند و مشخص شد این دختر یک سارق تازه کار و حرفه ای است که در آرایشگاه های زنانه دست به سرقت می زند.

در ادامه ردیابی ها، تیم پلیسی با سرخ های به دست آمده موفق به شناسایی مخفیگاه دختر جوان در همان منطقه تهرانارس شدند و عصر شنبه ۱۳ مهر در عملیات پلیسی دستگیر شد.

رویا ابتدا خود را بی گناه می دانست اما وقتی در برابر تصاویر دوربین مدار بسته طلافروشی قرار گرفت به

ناچار لب به سخن گشود و به ۲۰ فقره سرقت کیف زنانه در آرایشگاه ها اعتراف کرد.

رویا ۲۷ ساله که یک سارق تازه کار است در حالی که اشک می ریزد و از رفتن به زندان می ترسد اصرار می کند که اجازه خانه شان عقب افتاده بود و نیاز به پول داشته و هیچ کاری برای کمک به پدر و مادرش نبوده که انجام دهد:

سابقه داری؟

نه، باور کنید من تا حالا خلاف نکردم.

الان به چه جرمی دستگیر شدی؟

سرقت از آرایشگاه زنانه.

شبیه و شگرد؟

وارد آرایشگاه های زنانه می شدم و در ابتدا هر کسی برای انجام هر کاری که دار فیش پرداخت می کند که من در زمان پرداخت فیش در نزدیکی صندوق بودم و رمز بانکی مشتریان را حفظ می کردم و سپس در کمین می نشستم تا در فرصتی مناسب اقدام به سرقت کیف آن ها کنم.

کسی متوجه سرقت کیف ها نمی شد؟

به آرایشگاه های شلوغ می رفتم و چون همه سرگرم کارهای خودشان بودند کسی نمی فهمید که من کیف شخص دیگری را برداشتم و به راحتی از سالن زیبایی خارج می شدم.

کارت های بانکی را چه می کردی؟

به طلا فروشی و صرافی ها می رفتم و خرید می کردم.

دلیل دزدی هایت چه بود؟

برای اجاره خانه مان نیاز به پول داشتم. یک سال و شش ماه بود که اجاره خانه نداده بودیم.

از دواج کردی؟

نه، مجرمدم.

پدرت چرا کمک نمی کرد؟

پدرم دوبار سکنه قلبی کرده و عمل جراحی قلب کرده است و چون نمی خواستم او بیشتر از این اذیت شود دست به سرقت زدم.

تحصیلات؟

لیسانس مدیریت صنعتی دارم.

چرا سر کار نرفتی؟

رویا در حالی که اشک می ریخت گفت: «در آزمون بانک شرکت کردم و فرم های زیادی برای کار پر کردم اما هیچ اتفاقی نیفتاد و حتی چند جا برای کار رفتم که درخواست های کثیف داشتند و می خواستند از فرصت کاری شان سوءاستفاده کنند که نپذیرفتم.»

چرا گریه می کنی؟

از زندان رفتن می ترسم، حالا که سابقه دار شدم دیگر کاری برای من نیست و می خواهم کمکم کنید.

سکه ها و دلار ها فروختی؟

یکی از کارت های بانکی ۳۶ میلیون تومان مانده حساب داشت که ۲۰ میلیون تومان آن را چهار سکه طلا خریدم اما وقتی به خانه بازگشتم دیدم کیف پولم نیست، نمی دانم آن را سرقت کردند یا در تاکسی یا خیابان روی زمین افتاده است.

وقتی طلاهای سرقتی را کم کردی چه حسی داشتی؟

خیلی ناراحت بودم و حس شاکیان پرونده را ماکاملا درک می کنم.

چرا دزدی؟

قصد داشتم پس از پرداخت بدهی اجاره خانه کمی پول برای خودم پس انداز کنم که وقتی خواستم از دواج کنم پولی برای خرید جهیزیه هم داشته باشم.

مادر از این سرقت ها خبر داشت؟

ابتدا نه، ولی وقتی متوجه شد کلی مرا دعوا کرد و سرگوفته به من زد که بعد از آن در چند مرحله وقتی می خواستم طلا بخرم همراه من به مغازه طلافروشی می آمد.

فکر می کردی دستگیر شوی؟

پشیمانم. اول از روی اجبار رفتم ولی بعد دیگر عادت شد و شیطان ولم نمی کرد.

چه مدت است دزدی می کنی؟

فکر کنم از دیهشت بود که این کار را کردم، ابتدا یک کیف در آرایشگاه سرقت کردم ولی پول و کارت بانکی در کیف نبود.

آزاد شوی دوباره دزدی می کنی؟

نه، یک هل پوک هم حتی از برادرم سرقت نمی کنم و به سر کار می روم تا باعث بی آبرو کردن خانواده ام نشوم.

بنا به این گزارش، دختر جوان با قرار وثیقه دو میلیارد ریالی روانه زندان شد و تحقیقات برای شناسایی دیگر جرایم احتمالی این دختر جوان در دستور کار ماموران پلیس تهران قرار دارد.

تحلیل کارشناس

بررسی رد پای تحصیل کرده ها در سرقت های حرفه ای



دکتر کاظم قجواند جامعه شناس

و استاد دانشگاه

برخی جرایم خرد و کلان توسط افراد تحصیل کرده در جامعه

رخ می دهد که این مسئله از چند منظر قابل بحث و بررسی است و دیدگاه های مختلفی در این زمینه وجود دارد. برخی از دیدگاه ها اشاره به نا کارآمدی اقتصادی جامعه در جذب افراد در مشاغل مختلف دارد که خود عاملی است که عده ای از تحصیل کرده ها به دلیل نداشتن شغل و بیکاری به سمت بزه روی می آورند. این دیدگاه ها، عمدتاً به عوامل دفع کننده و نا کارآمد در جذب تاکید دارد به این دلیل که افراد تحصیل کرده از هوش بالاتری برخوردارند به همین علت روش های جدیدتری برای رفتار های مجرمانه انتخاب می کنند که دستگاه پلیس و قضا را با مشکلات اجتماعی عدیده ای روبه روی می سازد. در برخی از سرقت های مسلحانه که در بانک ها صورت می گیرد گاهی رد پای افراد تحصیل کرده دیده می شود که این نشان دهنده دیدگاه این افراد درباره تمایلات فردی است. یعنی این افراد توقعات مالی زیادی دارند و به همین دلیل به حقوق و مزایایی که سیستم اداری برای آن ها در نظر می گیرد رضایت نمی دهند و برای رفاه بیشتر اقدام به سرقت های مجرمانه و بزه کاری می کنند. برخی دیدگاه ها و نا کارآمدی این افراد به مجازات ها و قوانین و نبود بازدارندگی آن ها اشاره دارد. این دیدگاه ها عمدتاً بر این باورند که اگر قوانین و مقررات به اندازه کافی بازدارندگی داشته باشد، برای همه اجرا شود و ضمانت اجرایی بالایی داشته باشد می تواند قبل از بروز این حوادث از آن پیشگیری کند.

البته افراد تحصیل کرده ای را که به جرم و بزه روی می آورند از لحاظ اختلالات روان شناختی نیز می توان بررسی کرد. برخی از آن ها به لحاظ شخصیتی رفتار های ناسازگارانه ای دارند که در فرایند اجتماعی شدن به خوبی مهارت اجتماعی شدن را فراموش کرده اند و به راحتی به سمت جرم و بزه روی می آورند. مجموع این عوامل سبب بروز جرم توسط افراد تحصیل کرده می شود و برای حفظ ارزش های جامعه باید این افراد طی دوره های آموزشی تحت آموزش قرار گیرند تا برخی مسائل در وجودشان نهادینه شود. وقتی در افراد یک جامعه ارزش های اجتماعی نهادینه و درونی نشود و به اخلاق اجتماعی اهمیت ندهند به سادگی جرم را یک رفتار عادی تصور می کنند و یا چون باورها و اعتقادات شان ضعیف است دست به اقدامات مجرمانه ای می زنند که در جامعه یک پدیده زشت اجتماعی را رواج می دهند.



شدند اما جرمشان را انکار کردند.

در این میان فقط یکی از آن ها لب به اعتراف گشود و گفت: جمعه زن تنهارا به خانه باغ آورد و دوستانم او را آزار دادند اما من وی را آزار ندادم فقط نظاره گر بودم. قرار است هفت مرد شیطان صفت در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شوند.

آزار زن جوان در باغ ۷ شیطان

باغ بروم.

وی ادامه داد: عصر بود که مقابل در خانه باغ رسیدیم. من در یک لحظه تردید کردم و می خواستم برگردم و با همسرم تماس بگیرم اما مرد بنگاه دار مرا به داخل هل داد. آن جا بود که شش مرد به من حمله کردند و بی رحمانه مرا آزار دادند.

به دنبال شکایت این زن، پلیس به خانه باغ در حوالی فرحزاد رفت و در بررسی آن جا کارت ویزیت مربوط به یک مرد بنگاه دار را پیدا کرد. صاحب کارت ویزیت شناسایی شد و گفت جمعه را از قبل می شناسد.

با اطلاعاتی که این مرد به پلیس داد، جمعه طی قرار صوری ردیابی و بازداشت شد اما آزار زن جوان را انکار کرد.

در حالی که تلاش برای ردیابی شش همدست وی ادامه داشت پرونده به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در این میان سپیده در دادگاه حاضر شد و به

زنی جوان که در باغ شیاطانی تهران به تله هفت مرد افتاده بود دست به افشاکری تازه ای زد.

این زن دیروز در دادگاه پرده از یک قتل فجیع برداشت. رسیدگی به این پرونده از اول مهر امسال به دنبال شکایت یک زن جوان به نام سپیده آغاز شد که به پلیس آگاهی تهران رفته بود.

وی گفت: من و همسرم وضع مالی خوبی داریم. مدتی پیش تصمیم گرفتیم خانه مان را بفروشیم و یک خانه ویلایی در غرب تهران بخریم. من در سایت های اینترنتی به دنبال ملکی مناسب بودم که خانه ویلایی را در حوالی فرحزاد پیدا کردم. من با صاحب آگهی که مردی بنگاه دار بود، قرار گذاشتم و به ملاقات او رفتم. آن مرد که جمعه نام داشت، خانه ویلایی را به من نشان داد و سپس پیشنهاد داد تا از خانه باغی در همان حوالی بازدید کنم. او می گفت خانه باغ ملکی موروثی است و وراثت آن در خارج از کشور هستند. به همین دلیل قبول کردم همراه او به خانه



کتاب های روبیگ

کتاب ها بدون پاسخ است

پاسخنامه کتاب های روبیگ فقط برای دبیران محترم و والدین گرامی ارسال می شود



بسته طلایی جهت سفارش مدارس و دبیران محترم

شامل:

۱- تخفیف ۳۰ درصدی

۲- اهدای کتاب به دانش آموزان بی بضاعت

۳- اهدای کارت هدیه به دبیر محترم

۴- هدیه به مدرسه در قالب کاغذ A4



جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره های ۰۹۱۵۳۱۹۳۷۵۵ و ۰۹۱۵۶۹۰۷۸۶۱ (جوادر مضانی کارشک) تماس حاصل نمایید.

مورد تایید سازمان پژوهش وزارت آموزش و پرورش

